

حلقه دوستی دختران محله اروند در کانون کوثر هر هفته بزرگ تر می شود

دوره‌می صمیمی دهه هشتادی‌ها



عیدگاه

● ○ بستری برای رشد

اسما طاهری، دختر پانزده ساله‌ای که تنها دو جلسه است به این جمع پیوسته، می‌گوید که از طریق دوستش فاطمه زهرا با این دوره‌می آشنا شده است؛ «بزرگ‌ترین دستاورد این جلسات برای من این بوده که همسایه‌های بیشتری را شناختم و دوستان جدیدی پیدا کردم؛ دوستانی امن که می‌توانم با خیال راحت حرف‌ها و درددل‌هایم را با آن‌ها در میان بگذارم.»

اسما با جدیتی فراتر از سنش توضیح می‌دهد: سن ما واقعاً حساس است. خیلی از مادران برهه نیاز داریم که با مشاور گفت‌وگو کنیم. گردانندگان این کانون چند باری از طرف آستان قدس برای ما به رایگان جلسات مشاوره فردی گذاشتند.

در ادامه، کوثر عباسی، یکی دیگر از اعضای دوره‌می، با اشتیاق درباره بخش تفریحی این دوره‌می‌ها هم می‌گوید: تا حالا چند بار باهم به بوستان بانوان رجا رفته‌ایم. قرار است به استخر و جاهای تفریحی دیگر هم برویم.

می‌کند و با دقت به حرف دیگران گوش می‌دهد. بعد از پایان جلسه، با او هم کلام می‌شوم. با اشتیاق می‌گوید: من از قبل در کانون کوثر فعالیت داشتم. ولی حدود سه ماه هست که این دوره‌می را راه انداخته‌ایم و خودم از اولین جلسه اینجایم.

ادامه می‌دهد: در اولین جلسه‌ها، تعدادمان به ده نفر هم نمی‌رسید. ولی حالا بعضی وقت‌ها، مثلاً پنجاه نفر هم می‌شویم.

به نظر فاطمه، نیاز اصلی دختران محله اروند تنها داشتن یک مکان برای تفریح نبوده؛ بلکه به فضایی امن نیاز داشتند تا بتوانند باهم دوست شوند، حرف بزنند و شنیده شوند؛ «اینجا فقط جای گپ زدن نیست. بعضی جلسه‌ها مهارت‌هایمان را به هم یاد می‌دهیم. مثلاً من خیاطی بلدم و در دو جلسه قبل، نکات اولیه‌اش را به بقیه یاد دادم.» همین آموزه‌های کوچک و خودجوش، بهانه‌ای شده است برای همکاری بیشتر و عمیق‌تر شدن دوستی‌ها در این دوره‌می.

نیکو عقیده در راکه باز می‌کنم. جمع دخترها را می‌بینم که دور هم حلقه زده و روی زمین نشسته‌اند. پانزده نوجوان آن قدر گرم گفت‌وگو هستند که ابتدا متوجه حضور من نمی‌شوند. از هر دری حرف می‌زنند. یکی از رابطه پرچالشش با مادرش می‌گوید و اینکه نمی‌تواند خیلی از حرف‌هایش را با او در میان بگذارد. دیگری سؤال‌های مذهبی و اعتقادی‌اش را می‌پرسد، چیزهایی که ذهنش را مشغول کرده است.

اینجا کانون فرهنگی کوثر در محله اروند است. جایی که فقط مکانی برای رفت و آمد بانوان نیست؛ این کانون تلاش می‌کند که همه اقشار محله را درگیر فعالیت‌های محلی کند. در این میان، دختران نوجوان هم یکی از گروه‌هایی هستند که برنامه‌های ویژه‌ای برایشان تدارک دیده شده است. یکی از این برنامه‌ها، «دوره‌می دختران دهه هشتادی» است؛ جمعی صمیمی که هر دو شنبه در کانون دور هم جمع می‌شود. دخترها کنار هم می‌نشینند، حرف می‌زنند، تجربه‌هایشان را به اشتراک می‌گذارند و البته لحظاتی شاد و دوستانه را کنار هم تجربه می‌کنند.

● ○ به اشتراک گذاشتن مهارت‌ها

وقتی یکی حرف می‌زند بقیه در سکوت به حرف‌هایش گوش می‌دهند، وسط حرف هم نمی‌پرند و وقتی نوبتشان می‌شود، با آرامش و بدون قضاوت صحبت می‌کنند و در آخر راه حل‌های خودشان را هم پیشنهاد می‌دهند.

فاطمه زهرا علما رلو یکی از اعضای ثابت جلسات است که فعالانه در بحث‌ها شرکت



● ○ حرف زدن بدون نگرانی

کلثوم فاروقی، یکی از سرپرستان کانون، درباره هدف اصلی راه‌اندازی این دوره‌می می‌گوید: ما فهمیدیم دخترهای محله به چنین فضای امنی نیاز دارند. جایی که بتوانند خودشان باشند و بدون نگرانی حرف بزنند.

او با نگاهی به جمعیت حاضر در اتاق اضافه می‌کند: حالا دختران ده تا نوزده ساله محله به ما پیوسته‌اند و امیدواریم این حلقه دوستی و اعتماد، هر روز بزرگ‌تر و صمیمی‌تر شود.

نوجوان محله شهید آوینی با اثر هنری‌اش، مقام سوم منطقه تبادلگان را در جشنواره فرهنگی و هنری فردا به دست آورد

برای بچه‌های فلسطینی

امید محله



مرصیه میرزاپور هنر را دوست دارد. از آن آرامش می‌گیرد و از طریق هنر حرف‌های ناگفته‌اش را می‌گوید. حدیثه حسینی، نوجوان چهارده ساله محله شهید آوینی، دانش‌آموز دوره اول متوسطه مدرسه «نور علم» است که در چهل و سومین جشنواره فرهنگی و هنری «فردا» موفق شده در رشته فتومونتاژ مقام سوم منطقه تبادلگان را کسب کند.

● ○ فتومونتاژ چه رشته‌ای از هنر است؟

یکی از رشته‌های عکاسی و ویرایش آن است. در این رشته به عنوان مثال تکه‌هایی از چند عکس را کنار هم می‌چسبانند، طوری که در نهایت همه آن‌ها اثری واحد و معنادار می‌شود. البته این رشته چند سبک دارد.

● ○ اثری را که با آن در جشنواره

شرکت کردی، چگونه ساختی؟

کار من یک تصویر ثابت است که به صورت نواری آن را برش زدم و از بین آن‌ها نورهای طلایی را عبور دادم که شبیه بافت حصیری است.

● ○ ایده ساخت این فتومونتاژ از

کجا آمد؟

یکی از تکلیف‌های کلاس هنر ساخت یک فتومونتاژ بود که دبیر هنر از دانش‌آموزان

● ○ در این مسیر چه کسانی حمایتگر تو

بودند؟

پدر و مادرم با تهیه وسایل برای ساخت این کار از من حمایت کردند و وقتی مشغول این کار بودم، مادرم به تنهایی کارهای خانه را انجام می‌داد.

● ○ به هم‌کلاسی‌هایت در این زمینه کمک کردی؟

به آن‌ها مشورت می‌دادم و راهنمایی‌شان می‌کردم، اما در نهایت خودشان کار را به سرانجام می‌رساندند.

● ○ در اوقات فراغت چه کارهایی انجام می‌دهی؟

در این تابستان در کلاس‌های زبان انگلیسی و ورزش و کلاس‌های قرآنی شرکت کردم، همچنین گاهی به مدرسه می‌آیم و در کارهای ثبت‌نام دانش‌آموزها کمک می‌کنم.

● ○ در آینده می‌خواهی چه شغلی داشته باشی؟

با اینکه به هنر علاقه زیادی دارم، می‌خواهم در آینده مهندسی بخوانم؛ چون درس‌های ریاضی و فیزیک را دوست دارم.

● ○ به دوست‌های هم‌سن و سال خودت برای رسیدن

به خواسته‌هایشان چه می‌گویی؟

برای خودشان یک هدف مشخص کنند و در راه رسیدن به آن تلاش کنند و استمرار داشته باشند.

● ○ هدف تو از ساخت فتومونتاژ با

این محتوا چه بود؟

من بچه‌های فلسطین را خیلی دوست دارم. این تصویر با موضوع دعا یک دختر در حال عبادت را نشان می‌دهد که نمایانگر دعا برای بچه‌های فلسطین است و از اینکه توانستم به اندازه توان خودم کاری به یادشان انجام بدهم، خوشحالم.

● ○ چه شد که آن را برای جشنواره

فرستادی؟

معاون پرورشی مدرسه، خانم فاطمه باوندی

بامشورت دبیر هنر، خانم سمانه بارانی با من صحبت کردند و مشخصاتم را گرفتند و این اثر را برای جشنواره فرستادند.